

یادداشت های شهر شلوغ

خواب‌های قابل تعبیر برای دولت‌پزشکیان

📌 **شهروند** موج مباحث و مناظرات و نقدها پیرامون وضعیت جدیدی که با آمدن ترامپ تشدید شده است همچنان ادامه دارد و بدنه کارشناسی در سیاست خارجی ایران همچنان مباحث ویژه‌ای را مطرح می‌کنند. آنچه پیداست باید منتظر بود و دید که آیا ترامپ برای مذاکره با پیش می‌نهد و پیشنهادهای او چیست؟ اما تا آن موقع سناریوها و پیش فرض های تحلیلگران داخلی می‌تواند آگاهی بخش باشد....

از مواضع مسئولان کشور چنین برمی‌آید که بیش ازهرزمان دیگری مایل به مذاکره‌اند

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: طرفداران مذاکره با آمریکا می‌گویند قطع رابطه با یکی از مطرح‌ترین کشورهای جهان نمی‌تواند همیشگی باشد. ما می‌توانیم با آمریکا رابطه داشته باشیم و مذاکره بکنیم ودر عین حال ازباج دادن خودداری نماییم وضمن حفاظت ازاستقلال خودمان باتمام دولت‌ها غیزار حکومت‌های نامشروع مراده و تعامل داشته باشیم.

این افراد، کشورهایی از قبیل چین و روسیه را به‌عنوان نمونه‌هایی که باآمریکادارای تضادمنافع و خصومت‌های سنگین ودرپینه هستندنام می‌برند ومی‌گویند آنهاضمن حفظ مواضع خود،رابطه‌شان باآمریکارا نیز حفظ کرده‌اند ودر باره مسائل مختلف و درمقاطع زمانی گوناگون مذاکره هم می‌کنند. حتی بالاتر از این نیز مذاکرات حماس با رژیم نامشروع صهیونیستی را مطرح می‌کنند که در بحبوحه جنگ به سراغ مذاکره هم می‌روند و به تبادل اسرا می‌پردازند. این جماعت، نتیجه می‌گیرند که در سیاست خارجی به تجدید نظر اساسی نیاز داریم و باید بپذیریم که با دشمن‌ترین‌ها هم می‌توان مذاکره کرد و از خلال مذاکره، منافع ملی را تأمین نمود و به کاهش مشکلات ازمجمله مشکلات اقتصادی هم کمک کرد.

جماعت دیگری که محور جدال‌های روزهای اخیر هستند، تصورشان این است که رابطه ما با آمریکا باید برای همیشه قطع باشد و هیچ چیز نمی‌تواند راه را برای مذاکره با دولت واشنگتن هموار نماید. استدلال اصلی این جماعت این است که آمریکا قابل اعتماد نیست، به وعده‌هایش عمل نمی‌کند و اهل زیاده‌خواهی است. این جریان، اخیراً به تجمع‌های متعدد و توسل به شعارهای تند برای ابلاغ‌خواسته‌هایشان نیزمتوسل شده‌اند.

از مجموع مواضع مسئولین نظام در همین روزهای پرجدال می‌توان این نکته را به دست آورد که تمایل به مذاکره از هر زمان دیگری بیشتر است. اگر این برداشت مقرون به صحت باشد، می‌توان امیدوار بود که گشایشی در امور مربوط به سیاست خارجی حاصل شود که طبعاً در امور داخلی و معیشت مردم نیز تأثیرگذار خواهد بود.

باترامپ چه کنیم؟

از سوی دیگر، ایرنا در نخستین برنامه «تلاقی» با عنوان «با ترامپ چه کنیم؟» با «ناصر هادیان» تحلیلگر مسائل استراتژیک و استاد پیشین حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و «فواد ایزدی» و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و کارشناس حوزه آمریکا به گفت‌وگو نشست. به‌گفته «فواد ایزدی»، به‌دلیل اینکه همه اختیارات در آمریکا در دست رئیس‌جمهور نیست، مذاکره گرهی از رفع تحریم‌ها نخواهد گشود. «ناصر هادیان» اما گفت اصل بر مذاکره است زمانی که مفید باشد، پس باید برای مذاکره نکردن دلیل داشته باشیم.

اگر می‌شد مذاکره نکنیم و مشکلات کشور حل شود، من هم موافق بودم اصلا با ترامپ مذاکره نکنیم

هادیان در مورد دلایل انجام مذاکره گفت: نخست، اینکه بگوییم ما مذاکره نمی‌کنیم، راحت است. اگر امکان داشت که مذاکره نکنیم و مشکلات و چالش‌هایی به کشور تحمیل نشود، بنده هم موافق بودم که این کار را نکنیم. به‌خاطر آرواوقایدو باورهایم همیشه ترجیح می‌دادم که مثلاً با دمکرات‌ها مذاکره کنیم یا حتی جمهوریخواهان کلاسیک تا تخصیصی مثل ترامپ. اما واقعیت این است که او رئیس‌جمهور است و ما با او سر و کار داریم. ویژگی‌هایی که شما برشمردید شاید بتواند کمک کند که آمریکا را به‌نحوی مدیریت کند و این برای ما ممکن است مزیت و فرصت باشد.

یک رئیس‌جمهور دمکرات به سختی می‌توانست مواردی را که برای ما مهم است از کنگره بگیرد و تقریباً تا حالا غیرممکن بوده است؛ به‌طور مثال، اوباما و بایدن این شانس را نداشتند، حتی اگر می‌خواستند. البته اوباما به‌خاطر برجام جنگید اما با شرایط خاصی توانست برجام را بعد از دو سال امضا کند. اما ترامپ به‌خاطر نظام پاداش‌دهی که در جمهوریخواهان ایجاد کرده، می‌تواند اکثر جمهوریخواهان را در کنگره پشت خودش نگه دارد. با وجود اینکه آنها مخالف هم باشند به سختی می‌توانند در مقابل او بایستند و این برای ما یک

امتیاز است.

دوم اینکه ما چرا این است که وی آدمی نبوده که به راحتی به جنگ تن دهد، یعنی آدم جنگ طلبی نیست. حالا بعضی‌ها می‌گویند پمپئو و برایان هوک و بولتون را کنار گذاشت و این سیگنالی است که بگوید من جنگ طلب نیستم، مخصوصاً در ارتباط با ایران، چون اینها ضدیت با ایران داشتند و می‌خواست به ما پالسی بفرستد و شرایط را نزدیک کند؛ من این را زیاد قبول ندارم، زیرا اظهارات مارکو روبیو برای تأیید در سنای برای من مهم‌تر است، چون او خیلی ضایبان و تنداست، خیلی هم تند صحبت کرد اما نه به میزانی که انتظار داشتم و برداشت من این است که به او گفته‌است خواست باشد، ممکن است برنامه دیگری درباره ایران داشته باشم. به‌دلیل گرایش‌های ضد جنگ ترامپ فکر می‌کنم بخواهد این کار را انجام دهد.

ترامپ تا چراست و جنگ طلب نیست

فاکتور سوم اینکه وی یک تاجر است و اینکه بازار ایران یک بازار تجاری ۰۰۸ یا ۰۰۹ تریلیون دلاری است و می‌گویند این یک مورد بکر است. چینی‌ها و اروپایی بخواهند از آن استفاده کنند و ما نه؟ پس این هم می‌تواند یکی از فاکتورهای مهم باشد که او بخواهد آن را دنبال کند.

مسیرهایی که وجود دارد دیپلماسی، فشار حداکثری یا جنگ است؛ جنگ با شدت بالا یا کمتر. به‌نظر می‌رسد ترامپ می‌خواهد با دیپلماسی شروع کند، با توجه به اینکه شخصی مثل ایلان ماسک را که ذهن بیزینسی دارد، در کنار خود اضافه کرده است. در مجموع با توجه به رفتارهای او در هفته اول، این را مثبت می‌دانم و به‌نظم ایران هم سیگنال‌های مثبتی فرستاده است. این‌طور می‌توان نتیجه گرفت که اگر ترامپ در حال شروع دیپلماسی است پس ما هم به سمت گفت‌وگو برویم.

چرا مذاکره کردیم و اوضاعمان بهتر نشد؟

ایزدی اما در مخالفت با مذاکره گفت: مذاکره ابزاری در سیاست خارجی کشورها است؛ البته در سیاست خارجی کشورها ابزار سیاسی، اقتصادی و نظامی هم داریم. در میان ابزارهای سیاسی، مذاکره یک ابزار است که نه خوب و نه بد است. شما زمانی که بخواهید یک پیچ را باز کنید باید ابزار مناسب داشته باشید و بعد برای بستن پیچ از چکش استفاده نمی‌شود. اینکه مذاکره انجام شود یا نشود بستگی به منافع ملی دارد؛ اگر بخواهیم ساعت‌های مذاکره به‌مقام‌های ایرانی در این دهه‌ها را جمع کنیم عدد بزرگی است؛ چون ما در دوره احمدی‌نژاد و قبل و بعد از آن هم مذاکراتی داشتیم و ایران شاید در این زمینه در ۱۰ کشور اول باشد، چون همیشه به هر حال مشکل و درگیری بوده‌است.

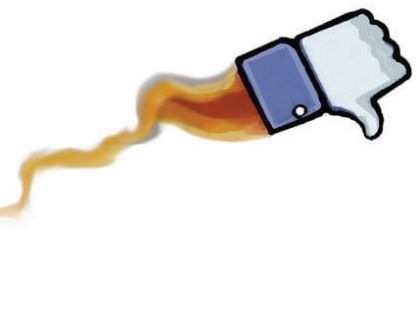
بنابراین مذاکره می‌تواند خوب یا بد باشد. بعضی وقت‌ها می‌توان به‌عنوان یک ابزار استفاده بشود یا نشود. درخواستی که نخبگان و عموم مردم جامعه دارند این است که زمانی مذاکره می‌کنید که وضعیتتان بهتر شود. یعنی اگر مذاکره کردید و امتیازی دادید دستاوردی هم داشته باشد که متأسفانه ما با اینکه زیاد مذاکره کرده‌ایم، این دستاورد را ندیده‌ایم.

مقایسه کنید تحریم‌های اوایل دوران آقای روحانی را با تحریم‌های انتهای دولت که تحریم‌ها بیشتر شده، حتی فردی که برای برداشتن تحریم‌ها مذاکره کرده بود هم تحریم شده بود، پس معلوم است که مذاکره خیلی هم راحت نیست؛ یعنی این‌طور نیست که شما وارد مذاکره شوید و اتوماتیک مشکلات حل شود.

نکته‌ای که در صحبت‌های دکتر هادیان بود نکته مهمی است که ما چرا با آمریکایی‌ها مذاکره می‌کنیم؟ به‌خاطر همین موضوعی که شما هم گفتید، یعنی به جای اینکه جنگل بلوط را بین ایرانی‌ها تقسیم کنیم که البته نمی‌دانم کدام مغز متفکری این را گفته است؛ به جای این کارها تحریم‌ها لغو یا کمتر شود. تحریم‌هایی که برای کشور مشکل ایجاد کرده است؛ مثل تحریم‌های نفتی و بانکی. اصولاً رفع تحریم‌های ایران دست رئیس‌جمهور آمریکا نیست، چون تحریم‌ها مصوبه کنگره را دارد. در بعضی از قوانین تحریم، به رئیس‌جمهور اجازه تعلیق داده شده است؛ آن هم در برخی موارد مدت دار.

رئیس‌جمهور آمریکا در قبال ایران همه اختیارات را در دست‌ندارد

در سال‌های گذشته به‌ویژه در دوره دمکرات‌ها مانند جمهوریخواهان در کنگره نگران بودند



نباید آزادانه به‌کار خود ادامه دهد. برای مثال در همین چند ماه گذشته مسئولان ذی‌ربط دولتی درخصوص مسئله ارز از گروه‌هایی یا افراد ذی‌نفوذی صحبت کردند که به‌خاطر موضوع ارز منافع‌شان به‌خطر می‌افتد. این گروه‌ها یا افراد الزاماً آن گروه در سایه نیستند؛ ممکن است افراد دیگری باشند. با هرکسی که بخواهد در کار دولت کارشکنی کند باید با برخورد کرد.

ادامه تحریم‌ها برای عده‌ای «نان و آب» دارد

اما در سوی دیگر فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: ظاهراً برای برخی که دلشان نمی‌خواهد با جهان در ارتباط باشیم، تحریم‌ها «نان و آب» دارد. اینها از وضعیت‌تنگنای اقتصادی کشور، مستفیض می‌شوند و سودهای اقتصادی و سیاسی می‌برند. محمد هاشمی رفسنجانی، عضو هیأت مؤسس حزب کارگزاران سازندگی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، گفت: اثرات تحریم‌ها و فشارهای آن بر سیاست و اقتصاد کشور به حدی مشخص، شدید و ملموس است که اصلاً اگر شخص یا اشخاصی این موضوع را انکار کرده یا نادیده بگیرند، جای تعجب است.

وی در گفت‌وگو با فارو افروز: اتفاقاً یک طیف خاصی که زمان شکل‌گیری برجام ناراحت، نگران و دلواپس بودند، امروز اذعان دارند که رفع تحریم‌ها توانست تا حد زیادی بر موتور اقتصاد کشور تأثیرگذار باشد. همین حالا هم بسیاری از افراد می‌دانند که شرایط مابحرانی است و چاره‌ای به جز ادامه مذاکرات وجود ندارد. باقی ماندن کشور در وضعیت فعلی، مواجهه با فشار اقتصادی، تحریم و کمبود بودجه و ناترازی‌های متعدد در بخش‌های مختلف اقتصاد چه توجهی دارد که عده‌ای از آن رضایت خاطر دارند؟ اما پاسخ این افراد را اتفاقاً باید با دستاورد‌های برجام داد. در سال‌های مذاکرات برجام، ۰۰۴ میلیارد دلار از منابع ارزی بلوکه شده ایران آزاد شد. همچنین روابط تجاری ایران به سرعت رونق گرفت و ایران در همان ماه‌های اولیه شکل‌گیری برجام توانست قراردادهایی با کشورهای مختلف بسته و از امتیازات برجام بهره‌مند شود. همچنین بعد از مدت‌ها تحریم، موفق شدیم نظر مثبت برخی کشورها را برای جذب سرمایه‌های آنها جلب کنیم و عده‌ای برای سرمایه‌گذاری به ایران آمدند. لغو تحریم‌ها درآمدهای نفتی بالاتر، مازاد تجاری بزرگ‌تر، نرخ ثابت ارز ملی و افزایش دستمزد‌های واقعی را برای ایران فراهم کرد.

هاشمی گفت: اگر قرار باشد بگوییم در دوران تحریم چه می‌کشیم، باید همه اینها را برعکس کنیم. تورم بالاتر، انزوای سیاسی و اقتصادی، درآمدهای نفتی کمتر یا بهتر است بگوییم مشتری نفتی کمتر و بسیاری از مشکلاتی که قبل از هر چیز بر سبب

معیشت خانواده‌ها تأثیرگذار است را شاهدیم. آن‌هایی که مخالف مذاکرات و مخالف شکل‌گیری یک توافق جدید هستند، عملاً هیچ استدلالی ندارند که چرا این را می‌گویند. خوشبختانه تصمیم‌گیری درباره مذاکرات یا تصمیم‌گیری درباره توافق جدید، بر عهده این گروه فکری نیست و هیچ مسئولیتی هم در این زمینه ندارند. تصمیم‌گیری در این خصوص با مقام‌های ارشد نظام است که خوشبختانه لزوم مذاکره را پذیرفته‌اند و این چراغ سبز را به دولت داده‌اند. البته طبیعی است که شرایط نسبت به دوره گذشته تغییر کرده و تیم دیپلماسی ایران نیز با توجه به شرایط جدید، مذاکرات را برنامه‌ریزی خواهد کرد.

عضو هیأت مؤسس حزب کارگزاران سازندگی در ادامه گفت: بحث انزوای سیاسی- اقتصادی ایران در دوران تحریم، چیزی نیست که به سادگی بتوان از آن عبور کرد. انزوای سیاسی، عدم ارتباط با جهان و عدم مناسبات سیاسی چه سودی برای ما داشته و دارد؟ اینجاست که به آن عبارت «کاسیان تحریم» می‌رسیم. ظاهراً برای برخی که دلشان نمی‌خواهد با جهان در ارتباط باشیم، تحریم‌ها «نان و آب» دارد. اینها از وضعیت‌تنگنای اقتصادی کشور، مستفیض می‌شوند و سودهای اقتصادی و سیاسی می‌برند. این منافع در تضاد مستقیم با منافع ملت ایران است که زیر بار تحریم‌ها فشاری سنگین را تحمل می‌کنند. مگر می‌شود چشم را به روی فشارهای تحریم بست و منافع مذاکره و لغو تحریم را نادیده گرفت. فقط با این شعار که ما با غریب‌ها کاری نداریم و نباید کاری داشته باشیم؟ خوب است آقایان ببینند منافعشان در چه چیزی گره خورده است. آیا منافعشان در تنگدستی مردم، انزوای ایران در عرصه بین‌الملل و محدودیت‌های تجاری‌گره خورده‌است؟

وی افروز: پاسخ این سؤال که چرا رفع تحریم و مذاکره الزامی است و چرا باید برای این موضوع تلاش کرد به حدی روشن است که مقاومت کردن در برابر فهم آن جای سؤال دارد. متأسفانه بعید است به برجامی با آن همه امتیاز که گرفته بودیم مجدداً دست پیدا کنیم. اما حتی رسیدن به یک توافق با امتیازات کمتر هم در شرایط فعلی یک بُرد بزرگ محسوب می‌شود. برجام به حدی برای ایران امتیاز و سود فراهم کرده بود که ترامپ نتوانست آن را تحمل کند. اگر به قول برخی آقایان منتقد، برجام بد و مضر بود، یا اگر پر از امتیاز برای ایالات متحده بود، چرا ترامپ از آن ناراضی بود و خارج شد؟ منتقدان برجام، منتقدان مذاکره و آن‌هایی که نگران مذاکرات با غرب هستند، ترازوی خود را به ما هم نشان دهند تا بفهمیم چرا فکر می‌کنند کفه ترازو به نفع عدم مذاکره و برجام و عدم رفع تحریم‌ها پایین می‌رود.